

بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان* نمونه موردی: پارک آب و آتش و بوستان بهشت مادران تهران

میترا حبیبی^۱، فرشته علی پور شجاعی^۲

^۱استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

^۲کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۹/۲۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۱/۲۳)

چکیده

زنان به عنوان نیمی از بهره‌برداران فضاهای عمومی، حق دارند همانند مردان از فضاهای عمومی شهری استفاده کنند. اما از آنجایی که نوع نیازها، نحوه ادراک محیط و در نتیجه الگوهای رفتاری زنان و مردان در فضاهای عمومی، تفاوت‌های معناداری دارند، لذا نادیده‌انگاشتن تفاوت‌ها می‌تواند حضور زنان را در فضاهای عمومی محدود نماید. ایجاد فضاهای ویژه بانوان با هدف رفع نیازها و کاهش محدودیت‌های زنان، یکی از رویکردهای جدید برای تامین رضایت و امنیت بیشتر زنان در فضاهای شهری است. هدف پژوهش، بررسی عملکرد فضاهای عمومی ویژه زنان در میزان پاسخگویی به نیازهای زنان در مقایسه با دیگر فضاهای عمومی می‌باشد. بدین منظور معیارهای فضاهای عمومی موفق بر مبنای سازگاری با نیازهای زنان، تدوین و در یک فضای عمومی ویژه بانوان (بهشت مادران) و یک فضای عمومی همه‌شمول (پارک آب و آتش) با بکارگیری روش تحلیل کیفی (تحلیل محتوا) و کمی (SPSS و Excel) مورد سنجش قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد علی‌رغم نقش منطقه‌ای بوستان بهشت مادران، این بوستان در مقیاس محلی عمل کرده و به فضایی کارکردی جهت فعالیت‌های ورزشی با آزادی پوشش، تقلیل یافته‌است. همچنین با محدود بودن وقت زنان در انجام فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی، تداوم استفاده از فضاهای عمومی ویژه، موجب کاهش زمان حضور زنان در دیگر فضاهای عمومی و کم‌رنگ شدن نقش و حضور آنان در شهر می‌شود. به نظر می‌رسد فضاهای ویژه بانوان در پاسخگویی به نیازهای اجتماعی زنان با مشکل مواجه است.

واژه‌های کلیدی

فضاهای عمومی، زنان، فضاهای عمومی ویژه زنان، نیازهای زنان.

*این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده دوم با عنوان «بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان؛ نمونه موردی: پارک آب و آتش و بوستان بهشت مادران تهران» و به راهنمایی نگارنده اول در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، تهیه شده است.

*نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۳۴۰۰۵، شماره: ۰۲۱-۶۶۷۲۲۶۱۶، E-mail: habibi@art.ac.ir

مقدمه

که به دلایلی چون عدم وجود امنیت، مسئولیت‌های مراقبتی و نیز می‌شود (Day, 2000, 106).

یکی از رویکردهای جدید برای تامین رضایت و امنیت بیشتر زنان در فضاهای شهری، توسل به جداسازی زنان و مردان در فضاهای عمومی و ایجاد تسهیلات و خدمات اختصاصی برای آنان است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷). ایجاد فضاهای عمومی ویژه بانوان (بطور ویژه بوستان زنان)، در کلانشهر تهران از نمودهای این رویکرد است که با هدف برآورده کردن نیازهای زنان در رابطه با فضای عمومی و رفع این محدودیت‌ها به خصوص پس از گزارش پزشکان دانشگاه علوم پزشکی به دفتر امور زنان ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۲ مبنی بر افزایش پوکی استخوان در زنان به دلیل شیوه‌ی زندگی و کمبود فعالیت‌های ورزشی، به طور جدی مطرح شد و در این راستا، شهرداری تهران اولین بوستان زنان را با عنوان بهشت مادران در سال ۱۳۸۷ احداث و به بهره‌برداری رساند. از آنجا که ایجاد این بوستان‌ها هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری در پی دارد، بررسی میزان پاسخگویی این فضاها به نیازهای زنان در مقایسه با یک پارک همه‌شمول و همچنین بررسی میزان موفقیت این فضاها به عنوان فضاهای عمومی، ضرورت دارد. لذا در این پژوهش، بوستان بهشت مادران با پارک آب و آتش به عنوان یک فضای عمومی همه‌شمول، مقایسه شده تا با بررسی تطبیقی این دو فضا، میزان کارایی و موفقیت این بوستان‌ها در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان در فضاهای عمومی شهری روشن گردد. در واقع این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به این سوال است که آیا ایجاد فضاهای شهری با تفکیک جنسیتی موجب افزایش حضور زنان در فضاهای عمومی شهری می‌شود؟

فضاهای عمومی، به دلیل ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی‌شان، مهم‌ترین وسیله در جهت تقویت جامعه‌ی مدنی به عنوان عرصه‌ی مشارکت تمامی گروه‌ها اعم از زنان و مردان هستند (رضازاده، محمدی، ۱۳۸۸) و زنان به عنوان نیمی از استفاده‌کنندگان فضاهای عمومی شهر همانند مردان بایستی بتوانند به راحتی از فضاهای شهری استفاده کرده و در آن احساس آرامش داشته باشند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان بطور یکسان با مردان از فضای شهری بهره‌مند نمی‌شوند (رفیعیان و ضابطیان، ۱۳۸۷). در این مورد والتین^۱، بر این باور است که «زنان برای تصرف و استفاده محدود از فضاهای عمومی تحت فشارند» (به نقل از رنه شورت، ۱۳۸۸). همچنین هایدن^۲ (۱۹۸۴)، معتقد است که زنان هیچگاه از حق کامل تصرف و بهره‌گیری از فضاهای عمومی شهر برخوردار نبوده‌اند و تمایزهای آشکاری بین نیازها، کنش‌ها و چگونگی بهره‌برداری از فضاهای عمومی شهری میان زنان و مردان به چشم می‌خورد (به نقل از رنه شورت، ۱۳۸۸). بدین معنی که الگوهای رفتاری زنان و مردان در مکان‌ها و فضاهای شهری یکی نبوده و به همین دلیل نمی‌توان با شیوه‌ای یکسان به نیازهای آنان در هنگام کار، رفت و آمد، حمل و نقل، ورزش، تفریح و استراحت پاسخ گفت (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷). نادیده‌انگاشتن چنین تمایزاتی و منظور نداشتن آنها در طراحی فضاهای عمومی شهری، زنان را به سمت حضور در محدوده‌های «تک جنسیتی»، «فضاهای ورود ممنوع آقایان» و محدودکردن مشارکت آنها، تنها در زمان‌های خاصی از شبانه‌روز سوق داده است (الماسی فر، ۱۳۸۹). این محدودیت‌ها که موجب کم‌رنگ شدن حضور زنان در فضاهای عمومی شهری می‌شود، شامل محدودیت در دسترسی زنان به فضاهای عمومی

۱- مبانی نظری

۱-۱- فضای عمومی

مکان‌هایی که زمان عمومی در آن می‌گذرد، مکان عمومی تلقی می‌شود (Cowan, 2005, 312). این فضاها، تمام بخش‌های بافت شهری را که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند شامل می‌شود. بدین ترتیب خیابان‌ها، پارک‌ها و میادین شهرک یا شهر، ساختمان‌هایی که آنها را محصور کرده و محدوده‌شان را مشخص می‌کنند، بخشی از فضاهای عمومی محسوب می‌شوند (تیبالدز، ۱۳۸۷، ۱۵). این فضاها توسط یک سازمان عمومی و در خدمت منافع عموم تامین و اداره می‌شوند (Garcia-Roman, 2004, 2). مکان‌های تجاری و خرید، پارک‌ها، نواحی تفریحی، خدماتی و نیز مراکز ارتباطی شهری و حمل‌ونقل عمومی، از دیگر فضاهای عمومی شهری محسوب می‌شوند (Bridge, 2000, 12; Phadke, 2006, 2; بحرینی، ۱۳۸۵، ۳۱۳).

اصطلاح فضای عمومی برای توصیف آن دسته از فضاهایی از شهر مانند خیابان‌ها، پارک‌ها، میادین و ساختمان‌های عمومی که برای عموم آزاد بوده و برای همه قابل دسترس است، بکار می‌رود. این اصطلاح در تقابل با فضای خصوصی که دسترسی به آن محدود شده است، تعریف می‌شود (Grundstorm, 2004, 1). در تعریفی دیگر، فضاهای عمومی^۳، قسمت‌هایی از یک دهکده، شهرک یا شهر بیان شده که در دسترس عموم بوده؛ مردم به صورت رایگان می‌توانند از آنها استفاده کرده و لذت ببرند. از نظر کوان^۴، در فضاهای عمومی، تمامی زمین‌ها باید برای همه مردم آماده، آزاد و به طور قانونی و ۲۴ ساعته قابل دسترس باشد. همچنین به بیان کاترین شانفیلد^۵، چون کل زمانی که در خارج از خانه یا محل کار هستیم زمان عمومی است، لذا همه‌ی

کلید عمده را که موجب موفقیت یک فضای عمومی می‌شود، اینگونه معرفی می‌کند: فضاهای عمومی در دسترس همگان هستند؛ افراد می‌توانند فعالیت‌های متنوعی انجام دهند؛ راحت بوده و دارای مناظری زیبا هستند. فضاهای عمومی، فضاهایی اجتماعی هستند که افراد می‌توانند در آنها با یکدیگر ملاقات کرده و تعاملات اجتماعی خود را افزایش دهند (وایت، ۱۳۹۲).

فضاهای عمومی، نقشی مهم در خلق نمادهای غرور مدنی و حس تعلق به مکان دارند که خود باعث توسعه و ارتقای مفهوم جامعه می‌گردد (دوانی، ۲۰۰۰، ۱۶۱). در مفهوم اجتماعی بودن فضاهای عمومی نیز، سه شاخص دسترسی (فیزیکی و بصری)، عدالت (سهام بردن عادلانه همه اقدار اجتماعی از فضا) و امنیت روانی و ایمنی معرفی شده است (کارمونا، ۲۰۰۳؛ Day, 2000). بنابراین فضاهای عمومی موفق فضاهایی هستند که بصورتی عادلانه از اجتماع‌پذیری بالایی برخوردار بوده، دسترسی و کالبدی زیبا و مناسب داشته، موجبات آسایش و راحتی افراد را فراهم نموده و زمینه‌ی تعاملات اجتماعی را در بستری ایمن و با امنیت، ایجاد کرده و انجام فعالیت‌های متنوع را، امکان‌پذیر می‌کند.

۲-۱- پارک‌های عمومی

بر اساس تعاریف فضای عمومی، پارک‌ها بخشی از فضاهای عمومی شهری محسوب می‌شوند (رفیعیان، ۱۳۸۱، ۳۷، بحرینی، ۱۳۸۵، ۳۱۳؛ Mean, 2005؛ به نقل از پرتوی، ۱۳۹۰، ۵؛ Pitcher and etal, 2006, 22؛ Bridge, 2000, 12)؛ که می‌بایست دسترسی عموم به آنها امکان‌پذیر بوده و محل گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های متنوع باشند. پارک‌ها بعنوان بخشی از فضای سبز شهری، نوعی از سطوح کاربری زمین شهری با پوشش گیاهی انسان‌ساخت بوده که تحت مدیریت قرار داشته و هم‌واجد «بازدهی زیبایی‌شناختی - اجتماعی» و هم‌واجد «بازدهی اکولوژیکی» بوده و به عنوان بخشی از سیمای شهری و عامل زنده و حیاتی، در کنار کالبد بی‌جان شهر، تعیین‌کننده‌ی ساختار مورفولوژیک شهر می‌باشند (سعیدنیا، ۱۳۷۹). پارک‌ها به صورت شبکه‌ای زنجیره‌ای و در مقیاس‌های مختلف از محلی تا شهری شناخته می‌شوند.

از آنجا که در پارادایم مدل «توسعه پایدار»، بقا و ماندگاری شهرها محدود به کالبد محیط انسان‌ساخت نبوده، بلکه توزیع عادلانه‌ی منابع و فرصت‌ها، حفاظت از منابع طبیعی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، افزایش سطح مشارکت شهروندان و کیفیت

جامعه مدنی، با تعریف و حضور سه عرصه‌ی دولت، عرصه‌ی عمومی و عرصه‌ی خصوصی تعریف شده که عرصه‌ی عمومی، مهم‌ترین عرصه‌ی بروز حیات مدنی است. جامعه‌ی مدنی با پنج رکن کثرت‌گرایی، گفتمان، مشارکت، قانون‌مداری و فردباوری تعریف می‌شود (حبیبی، ۱۳۷۸) که می‌توان کثرت‌گرایی را به مثابه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن متصور شد. کثرت‌گرایی به مفهوم نفی حاکمیت یک تفکر خاص و اعتقاد به پلورالیسم^۶ تعریف می‌شود. در جامعه‌ی مدنی، هر فرد به دور از تمایزات جنسی، سنی، سطح تحصیلات و... با حضور در عرصه‌ی شهر، می‌باید به گونه‌ای برابر با سایرین به رسمیت شناخته شده و از حقوق طبیعی یک شهروند برخوردار گردد (هزارجریبی، ۱۳۹۰). فضاهای عمومی شهری به عنوان تعیین مکانی عرصه‌ی عمومی تلقی می‌شوند (حبیبی، ۱۳۹۰، ۲)، که به مثابه‌ی بستر کالبدی و اجتماعی، عرصه‌ی مطلوبی برای رشد و بالندگی جامعه مدنی به شمار می‌روند (رضازاده، ۱۳۸۸). چنین فضاهایی را می‌توان مکانی برای تعاملات، برخوردها و تبادلات اجتماعی برشمرد. ضرورت کثرت‌گرایی و مشارکت در جامعه مدنی، ایجاب می‌کند تا همه شهروندان به دور از هرگونه تفاوت بین نظیر سن، جنسیت، قوم، نژاد و... بتوانند در عرصه‌ی تعاملات اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند (حبیبی، ۱۳۹۰، ۲). فضاهای عمومی تجلی‌گاه تعامل اجتماعی و نماد کالبدی حضور اندیشه‌های سیاسی - فلسفی بالنده شهروندان بوده و از این منظر، کیفیت محیطی، اجتماع‌پذیری و تنوع فعالیت‌های جدایی‌ناپذیر آن محسوب می‌شوند (همان، ۱۷۹). در این زمینه، کار^۷ نیز در مطالعه‌ی خود، ویژگی‌های فضای عمومی موفق را اینگونه عنوان کرده است:

- فضایی برای همه؛ که شامل دسترسی گروه‌های مختلف به مکان، آزادی در فعالیت، ادعای قلمرو، مالکیت نمادین و امکان مشارکت در فضا است.

- فضای پاسخگو؛ به معنای پاسخگویی فضاهای عمومی شهری به نیازهای انسان می‌باشد.

- فضای معنادار؛ این ویژگی با ارتباط مطلوب انسان و مکان پدید می‌آید که مستلزم تعامل مثبت بین انسان و ابعاد کالبدی و اجتماعی مکان است (Carr, 1992؛ به نقل از Kurniawati, 2012, 477).

عوامل دیگری نیز در میزان موفقیت یک فضای عمومی و رضایت مندی استفاده‌کنندگان از این فضاها دخیل است که حضور مردم، میزان راحتی و آسایش، تنوع فعالیت‌ها و تسهیلات موجود در فضا، امنیت، جاذبه‌های فیزیکی و زیبایی مکان از آن جمله هستند (سیفایی، ۱۳۸۴). ویلیام وایت^۸ نیز چهار

جدول ۱- ویژگی‌های فضای عمومی موفق.

| | | | | | | | | | | | |
|------------------------|-------------|-------------------|-------------|--------------|-------|---------------|---------------|--------------|---------------|----------------|------------|
| بصری (فیزیکی و دسترسی) | کالبد مناسب | منظر زیبا و مناسب | تنوع فعالیت | مقیاس انسانی | عدالت | امنیت و ایمنی | تعامل اجتماعی | اجتماع‌پذیری | آسایش و راحتی | خوانایی و هویت | لذت از فضا |
|------------------------|-------------|-------------------|-------------|--------------|-------|---------------|---------------|--------------|---------------|----------------|------------|

ماخذ: (گل، ۱۳۸۷؛ وایت، ۱۳۹۲؛ تیبالدز، ۱۳۸۷؛ چرخچیان، ۱۳۸۹؛ حبیبی، ۱۳۹۰؛ کارمونا، ۲۰۰۳؛ Cozens, 2011 ; Kurniawati, 2012; www.pps.org)

جدول ۲- کارکردهای بوستان‌ها .

| کارکرد | تعریف |
|--------------------|---|
| کارکرد تفریحی | ✓ مراکز گذران اوقات فراغت ✓ بهترین مکان تفریح درون شهری در غیاب حیاط‌های خصوصی و کوچک شدن زیربنای منازل مسکونی؛ |
| کارکرد بهداشتی | ✓ نقش گسترده فضای سبز در تمدد اعصاب؛ ✓ تاثیر مستقیم حضور در بوستان‌ها و فضای سبز بر روان انسان؛ ✓ بهره‌گیری از فضاهای مختلف فرهنگی، هنری و ورزشی بوستان‌ها و ارتباط آن‌ها با بهداشت جسمی و روانی؛ |
| کارکرد ارتباطی | ✓ جایگزین شدن محلات، چهارسوق‌ها و ... توسط بوستان‌ها به عنوان زمینه ساز آغاز، تحکیم و استمرار روابط دوستی بین افراد، روابط همسایگی در محل و ... ؛ ✓ مکان آشنایی و تعامل گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی؛ |
| کارکرد آموزشی | ✓ بازدیدهای علمی از گونه‌های مختلف گیاهی بوستان‌های مستعد توسط دانش آموزان؛ ✓ وجود فرهنگسراها، کتابخانه‌ها، سالن‌های مطالعه ؛ ✓ نقش مثبت وسایل بازی در آموزش کودکان و برخورداری بوستان‌ها از حداقل وسایل بازی ؛ |
| کارکرد خرید و فروش | ✓ مستعد برای عرضه کالاهای مختلف به دلیل حضور گسترده‌ی مردم ؛ ✓ وجود مراکز و اماکن رسمی برای فروش نیازهای غذایی، فروشندگان دوره‌گرد ؛ ✓ برپایی نمایشگاه‌های عرضه کالاهای مختلف مانند صنایع دستی، کتاب و ... ؛ |

ماخذ: (برگرفته از کشاورز، ۱۳۸۰)

درک آنها از فضای عمومی تاثیرگذار می‌باشد (Garcia-Ramon, 2004, 2). از آنجا که استفاده‌ی زنان از فضای عمومی و تجربه‌ی آنها، موضوع بسیاری از تحقیقات اخیر بوده است (Day, 2000, 1) نتایج نشان می‌دهند که زنان و مردان ادراک و استفاده‌های متفاوتی از فضاهای عمومی دارند (Mozingo, 1989) به نقل از قرایی، (۱۳۹۱). اگرچه فضاهای عمومی به منظور استفاده‌ی عموم مردم فارغ از جنسیت، قوم و ... ایجاد می‌شوند، ولی زنان، دسترسی محدودتری نسبت به مردان به اینگونه فضاها داشته و حتی در مواردی به طور کامل از فضاهایی که عموماً برای مردان و حضور آنها آزاد است، طرد می‌شوند (Brady, 2005, 158). عوامل محدودکننده‌ای مانند خطر و ترس، از مهم‌ترین عناصر در تجربه زنان در فضای شهری بوده و استفاده‌ی آنان را محدود می‌نماید (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ۱۱۹). در نتیجه، زنان به واسطه‌ی وجود چنین مشکلاتی، دسترسی خود به فضای عمومی را محدود می‌کنند (Rush, 2012, 9). در این زمینه، پاول^۱ (۲۰۱۱) معتقد است که زنان و مردان، فضا را به طور مشترک و عام و فضای عمومی را به طور خاص و متفاوت تجربه می‌کنند. وی این امر را تا حدودی ناشی از دلایل زیر می‌داند:

- ادراک و شناخت متفاوتشان از محیط که اساساً برپایه‌ی هنجارهای اجتماعی - فرهنگی درگیر با آن، استوار است.
- و اینکه آنها در معرض دیدگاه‌های متفاوتی از مشروعیت‌های اجتماعی قرار دارند (Paul, 2011, 417). بر این اساس، فضاهای عمومی، معانی متعدد و متنوعی را با توجه به فعالیت‌های روزمره زنان و مردان به خود می‌گیرند (Garcia-Ramon, 2004).
از جانب دیگر، درحوزه‌ی عمل نیز با توجه به عدم حضور زنان در فرآیند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه و تسلط تاریخی مردان در این حوزه، فضاهای شهرهای معاصر عمدتاً دارای جلوه‌های

تعاملات اجتماعی را نیز شامل می‌شود، لذا در این چارچوب، فضاهای سبز شهری، علاوه بر ایفای نقش اکولوژیکی در پایداری زیست محیطی، واجد مزیت‌های موثر بر افزایش کیفیت محیط و زندگی اجتماعی شهرها نیز می‌باشند (حبیبی، ۱۳۹۳، ۲۶). امروزه توسعه فضاهای سبز شهری به عنوان فرایندی هوشمندانه از بازگشت و بازیابی طبیعت، نشر آگاهی انسان بر مسئولیت در برابر طبیعت و با هدف بازنویسی و تغییر سیمای شهری، تلقی می‌شود (همان، ۲۹).

پارک‌ها، در زمینه‌ی روابط اجتماعی بین افراد جامعه و بهبود رفتارهای اجتماعی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. برخی از رفتارهای جمعی مانند معاشرت‌ها و گفتگوها، دید و بازدیدها و تبادل افکار و ... که در گذشته در فضاهایی مانند میادین و گذرها و بازارها و قهوه‌خانه‌ها و مساجد و ... انجام می‌گردید، هم‌اکنون به شکل تازه‌ای در پارک‌ها احیا شده است و در نتیجه در بهبود و تحکیم رفتارهای مثبت اجتماعی نقش اساسی دارد (رضایی، ۱۳۹۰، ۲۵).

۲- زنان و فضاهای عمومی شهری

با تعریف فضاهای عمومی شهری به عنوان ظرف رخداد فعالیت‌های ضروری، انتخابی و اجتماعی شهروندان و بستر تحقق حیات مدنی، منطقاً، تجلی کثرت‌گرایی، وجود تعاملات اجتماعی و لزوم امکان حضور زنان در این فضاها، ضرورتی انکارناپذیر و غیرقابل اغماض در سنجش مطلوبیت آنها تلقی می‌شود و متقابلاً فقدان آن، بنحوی معنادار، کاهش قابلیت عمومی بودن فضاهای شهری را موجب می‌گردد. استفاده از فضای عمومی، تجربه‌ای است که برای همه‌ی افراد یکسان نبوده و سن، جنس، طبقه اجتماعی و هویت قومی بر روی شیوه‌ی زندگی شهری و

فضاهای شهری، ماهیت دوگانه فضاهای عمومی و خصوصی و دوگانگی فضایی مطرح می‌شود. تقابل میان حوزه‌ی خانگی و حوزه‌ی عمومی با استناد به نخستین تقسیم کار میان انسان‌ها، دو حوزه‌ی تفکیک شده را بوجود می‌آورد که حوزه‌ی خانگی و نگهداری از کودکان در اختیار زن و حوزه‌ی عمومی در تقابل آن، به تامین معیشت توسط مرد، اختصاص می‌یابد. رابطه‌ی میان این دو حوزه، تعیین‌کننده‌ی رابطه‌ی زن و مرد بوده، بطوریکه هرچه حوزه‌ی عمومی قدرت بیشتری می‌یابد، استیلاي مرد بر زن نیز افزایش می‌یابد (فکوهی، ۱۳۸۰، ۲۳۸). از نظر تاریخی، رابطه‌ی این دو حوزه در جوامع صنعتی، شروع به تغییر می‌کند. بدنبال تحولات اقتصادی ناشی از انقلاب صنعتی، زنان، ورود گسترده‌ای به حوزه‌ی عمومی می‌کنند، بطوری که در انتهای قرن بیستم، حوزه‌ی عمومی، به لحاظ کمیت شرکت‌کنندگان زن و مرد، از توازن جنسیتی برخوردار می‌شود. بخش بزرگی از اقتدار حوزه‌ی خانگی در امور آموزش، تربیت، نگهداری و اشغال اوقات فراغت، به حوزه‌ی عمومی منتقل می‌شود و نیز با اتوماتیزه شدن اغلب فعالیت‌های خانگی، کارهای این حوزه کاهش می‌یابد. بنابراین در کشورهای صنعتی پیشرفته، با یک حوزه‌ی خانگی کوچک و یک حوزه‌ی عمومی بزرگ روبرو هستیم، که هیچ‌یک دارای جنسیت واحدی نیستند (همان، ۲۳۸).

تحلیل واگذاری مسئولیت در حوزه‌ی خانگی به عهده‌ی زنان، با طرح نظریه‌ی اخلاق مراقبت توسط گیلیگان^{۱۱} در سال ۱۹۸۲ مطرح شد. او نشان داد که زنان مسیر توسعه‌ای را دنبال می‌کنند که بر روی مسئولیت و تعهد نسبت به دیگران متمرکز شده است و اینکه زنان خود را در ارتباط با دیگران تعریف می‌کنند (Henderson, 1991). این نظریه، محدودیت‌ها و فرصت‌های پیش‌روی زنان را، در استفاده از فضاهای عمومی تحلیل و طبقه‌بندی می‌کند. محدودیت‌ها، تعیین می‌کنند که زنان کجا، چه زمانی، با چه کسی و برای چه مدتی، حق تجربه و استفاده از فضای عمومی را دارند و بدین ترتیب بر رفتار و تجارب آنها از فضای عمومی تاثیر می‌گذارند. محدودیت‌ها بر اساس ویژگی‌های شخصی زنان و عواملی چون نژاد، قومیت و طبقه‌ی اجتماعی، دسته‌بندی می‌گردند (Day, 2000, 107). وی، در تعریف محدودیت‌های اعمال شده بر زنان که حاصل واگذاری مسئولیت حوزه‌ی خانگی و اخلاق مراقبتی به آنان می‌باشد، عناوینی چون محدودیت در زمان، شرایط مالی، تحرک و جابجایی و استفاده از فرصت‌ها، وجود استرس، فشار و ترس، مراقبت از فرزندان، مسئولیت‌پذیری در اداره حوزه‌ی خانگی، پذیرش هنجارهای جنسیتی و شرایط اجتماعی نابرابر، قوانین عمومی و نهایتاً برنامه‌ریزی و طراحی را برمی‌شمارد. ولی از جانب دیگر بیان می‌دارد که این اخلاق، فرصت‌هایی چون مراقبت از خانواده و دوستان، مراقبت‌کردن و مراقبت‌شدن توسط غریبه‌ها، مراقبت از خود و درنهایت مراقبت از فضای عمومی را نیز با خود همراه دارد که می‌تواند در مدیریت فضاهای عمومی مورد استفاده قرارگیرد (همان، ۱۰۸).

بارز و آشکار تک‌جنسیتی بوده و ضمن تامین حضور بیشتر مردان، محدودیت‌های زیادی را برای استفاده‌ی از این فضاها بر زنان، تحمیل نموده است (حبیبی، ۱۳۹۱، ۲). به لحاظ نظری، محدودیت زنان در استفاده از فضاهای عمومی شهری، مبتنی بر فرآیند تاریخی جنسیتی شدن فضاهای عمومی و نیز جاری شدن اخلاق مراقبتی در حوزه‌ی خانگی بر زنان تحلیل می‌گردد، موضوعی که در ادامه به جزئیات آن بیشتر پرداخته می‌شود.

۲-۱- محدودیت‌های زنان در استفاده از فضاهای عمومی شهری

بطور تاریخی، در قلمرو اندیشه و حوزه‌ی نظر، نسبت به حقوق و تکالیف زن و مرد در همه‌ی فرهنگ‌ها برخورد آرا جریان داشته و جنسیت، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی چگونگی تعادل در این زمینه بوده است. جنسیت، یکی از ویژگی‌های اساسی سازماندهی هر جامعه است، بطوریکه تمامی تفاوت‌های دیگر مانند قومیت، طبقه اجتماعی، ناتوانی و سن را در اولویت بعدی قرار می‌دهد (Reeves, 2003, 2). از این رو به عنوان یک عامل اجتماعی و متاثر از فرهنگ تلقی گشته و به همین دلیل در فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌های جنسیتی ثابت نبوده و در طول زمان نیز، تغییرپذیر بوده است (Woodsworth, 2005). جنسیت، خصوصیات اجتماعی مرتبط با مذکر یا مونث بودن و رابطه بین زنان و مردان و نیز روابط درون جنسی بین آنان را نیز تعریف می‌کند (داگلاس، ۲۰۰۷، ۵). تقسیم زیستی بین زن و مرد، شامل رفتارها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی فرهنگ حاکم است که در جامعه به عهده دو جنس گذاشته می‌شود (همان، ۸). مفهوم جنسیت، انتظارات مرتبط با خصوصیات، ویژگی‌ها و رفتارهای احتمالی مردان و زنان را نیز در برمی‌گیرد و تحلیل سلطه‌پذیری زنان را از جبر بیولوژیکی و پایدار به حوزه اجتماعی تغییرپذیر، منتقل می‌کند (UNESCO, 2003, 17). بدین ترتیب نقش‌های واضحی برای زنان و مردان بر پایه جنسیت، در جامعه شکل می‌گیرد (Larsen, 2009, 1). بازتولید موضوع جنسیت در شهر، به مقررات معماری و جغرافیایی ساخته شده اجتماعی اطلاق می‌شود که حضور زنان را قاعده‌مند کرده و دسترسی آنان را به فضاهایی که به تولید قدرت و منفعت متصل هستند، محدود می‌کند (Phadke, 2010). بدین ترتیب، فضاها هم از طریق عمل‌های اجتماعی و نیز همبستگی‌های نمادین، جنسی می‌شوند. چنین تمایزی، فضا را در چارچوب عملکردها، مناسبات و قواعد ویژه، سازمان داده و مرزهای اجتماعی را مشخص می‌نماید (تانکیس، ۱۳۹۰، ۱۵۱). مفاهیم نظری در حوزه‌ی مطالعات زنان، عموماً درون مایه‌ی خود را از ایده‌ی تفکیک حوزه‌ها به عنوان بستر تاریخی محدودیت‌های زنان در استفاده از فضای عمومی می‌گیرند. این بستر، فضاهای خصوصی، پرهیزکاری و تقوا را برای زنان، و فضاهای عمومی و فعالیت را برای مردان می‌داند. تفکیک و جداسازی توسط سرمایه‌داری و مهاجرت مردم برای زندگی در حومه‌ی شهرها^{۱۲} تحمیل شده است (Day, 2000, 3). در تحلیل ماهیت جنسی

جدول ۳- محدودیت‌های حضور زنان در فضای عمومی.

| منبع | محدودیت‌های حضور زنان |
|---|--|
| (Andrew, 2006, 1), (Rush, 2012), (Day, 2000), (Koskela, 1997), (مدنی پور, ۱۳۷۹), (علیخواه, ۱۳۸۸), (محمدی, ۱۳۸۷), (رضازاده, محمدی, ۱۳۸۸), (اباذری, ۱۳۸۷) | ترس و خطر |
| (Khosla, 2006, 1), (Khosla, 2004, 3), (Jagori, 2010), (Phadke, 2006), (محمدی, ۱۳۸۷), (قرایی, ۱۳۹۰), (اباذری, ۱۳۸۷) | نبود امنیت و ایمنی |
| (Rush, 2012, 9), (Krenichyn 2004), (محمدی, ۱۳۸۷) | خشونت جنسی |
| (Garcia-Ramon, 2004), (Phadke, 2006), (Day, 2000), (زیاری, ۱۳۸۸, ۷۹) | مسئولیت‌های بازدارنده (مراقبت از فرزندان, انجام کارهای خانه و ...) |
| (Day, 2000), (رضازاده, محمدی, ۱۳۸۸) | هنجارهای محدودکننده اجتماعی و تحمیل نقش وابستگی به زنان |
| (Day, 2000), (رضازاده, محمدی, ۱۳۸۸) | استرس و تنش |
| (Day, 2000), (Garcia-Ramon, 2004), (رضازاده, محمدی, 1388) | دسترسی نامناسب و محدود شده به فضاهای شهری |
| (Paul, 2011), (Rush, 2012), (Amir Ebrahimi, 2006) | توزیع ناعادلانه قدرت بین زنان و مردان |

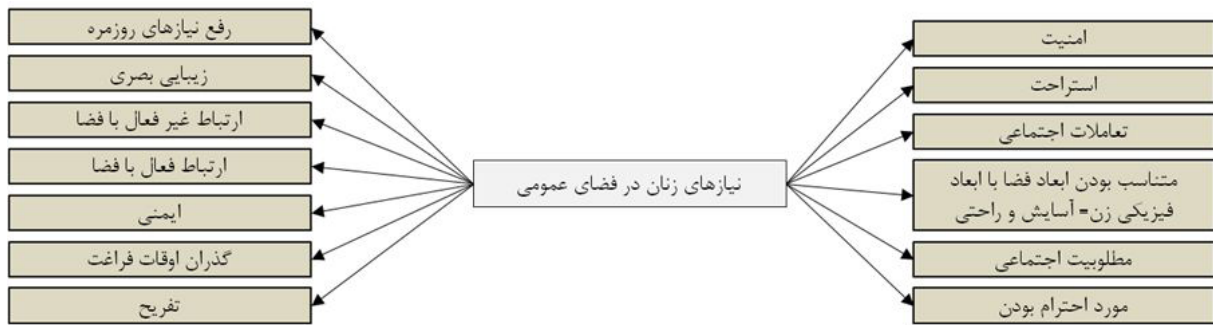
را محدود می‌کند. بنابراین، فضا چیزی ورای ظرفی بازی است که شامل اشیاء و مواد می‌شود. اثرات بجای مانده از معادلات قدرت نابرابر، در سازماندهی فضایی زندگی روزانه نهفته است (Paul, 2011). ترس از خشونت و تعدی، به دلیل تحلیل بردن اعتماد به نفس تعدادی از زنان، دسترسی به فضای عمومی را برای آنها محدود می‌نماید. ترسی که انعکاس ساختارهای قدرت جنسیتی در سطح کلان جامعه است. در این زمینه باندز^{۱۵} (۲۰۰۴)، دیدگاه زنانه دانستن خصیصه ترس را به چالش کشیده، بیان می‌دارد که محدودیت تحرک زنان در استفاده از فضا و نیز در برساخت هویت، به معنی تحت سلطه بودن آنان است (به نقل از اباذری، ۱۳۸۷). بطور کلی محدودیت‌های زنان در استفاده از فضای عمومی را می‌توان در جدول ۳ جمع‌بندی کرد.

۲-۲- نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهری

الگوهای رفتاری متفاوت زنان و مردان در فضاهای شهری ناشی از نیازهای متفاوت آنها می‌باشد که نادیده‌انگاشتن این تمایزات و منظور نکردن آنها در طراحی فضاهای عمومی شهری، موجب گریز زنان از این فضاها می‌شود، چراکه توان جسمی و تمایزات روحی زنان و مردان، گونه‌های متفاوت طراحی را طلب می‌کند (الماسی فر، ۱۳۸۹). تامین نیاز انسان به دوست داشتن و در کنار جمع بودن، مستلزم وجود یک قرارگاه کالبدی است و فضاهای عمومی، بیشترین ظرفیت را در این رابطه دارند. امری که بدون پاسخگویی به نیازهای اولیه میسر نمی‌باشد. فضاهای جذاب، در درجه اول، تامین‌کننده نیازهایی مانند آسایش فیزیولوژیکی و ذهنی، استراحت، ارتباط فعال (مبتنی بر تماس مستقیم مردم با محیط و دیگران و تجربه مستقیم فضا)، ارتباط غیرفعال (امکان نظاره و مشاهده دیگران و اتفاقات و رویدادهای پیرامون)، کشف راز، خلق فضاها و منظرهای متفاوت و فعالیت‌های گوناگون با هدف تامین تنوع و ... می‌باشد (Carr

نابرابری قدرت نیز، حاصل اعمال جنسیتی شدن فضا و ایجاد محدودیت برای زنان در حوزه‌ی عمومی است. معادلات قدرت نابرابر در شیوه‌های مختلف زندگی روزانه که در فضاهای جغرافیایی و اجتماعی سازماندهی شده و درهم تنیده است، بر استفاده‌ی افراد از فضا تأثیر می‌گذارد. امری که بیشتر در شهرهای بزرگ‌تر صادق است، جایی که فضا به صراحت در اختیار رویکردی مردانه قرار داشته و فضای عمومی، به عنوان جایگاه مشروع و قانونی قدرت اجتماعی، عملاً از مرزهای مجاز برای زنان خارج می‌گردد. فضاهای شهری به طور فزاینده در حال مردانه شدن هستند، بطوریکه استفاده‌ی زنان از فضای عمومی را محدود کرده و آنها را وسیعاً به حوزه‌ی خانه و خانواده می‌کشاند (Paul, 2011, 1). گرچه استفاده از فضا عموماً به صورت امری فردی و شخصی تلقی می‌شود و در چارچوب ایدئولوژی قوی از فردیت، فعالیت‌های افراد در سطح فضای عمومی ناشی از انتخاب آزادانه‌ی آنها تلقی می‌گردد، ولی واقعیت این است که استفاده از فضا، محصول روابط قدرت اجتماعی است (Rush, 2012, 9). فریدمن^{۱۶} در تحلیل معرفت‌شناسانه‌ی برنامه‌ریزی حقوق زنان (۱۹۹۲) می‌گوید که روابط مردسالارانه باعث شده که زنان تابع و زیردست تلقی شوند، موضوعی که همچنان در قلمرو عمومی و قلمرو خصوصی تداوم دارد. بنابراین، موضوع انقیاد زنان توسط مردان، ریشه در کسب قدرت دارد. وی اضافه می‌کند «انقیاد تاریخی در میان زنان، یک فرهنگ فرمانبرداری و عدم اعتماد به نفس را بوجود آورده که آن را پذیرفته‌اند، در حالیکه حقیقتاً این‌ها چیزی جز محصولات اجتماعی یک تسلط و غلبه مردانه نمی‌باشند» (به نقل از حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۵۳).

لارسن^{۱۷} (۲۰۰۹) معتقد است که جنسیت، نقش مهمی در انتشار و بیان قدرت بازی می‌کند (Larsen, 2009, 2). رز^{۱۸} (۱۹۹۳)، در این زمینه می‌افزاید که اتفاقات به ظاهر پیش‌پافتاده و بی‌اهمیت روزانه‌ی مربوط به ساختارهای قدرت است، که زنان



تصویر ۱- نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهری.

باز عمومی، ایجاد مجموعه‌ای برای تفریح و گذران اوقات فراغت است. اما، اوقات فراغت زنان به طور کلی، مانند تجربه‌ی آنان از فضای عمومی، همچنان درگیر محدودیت‌هایی همچون کمبود زمان و پول، مسئولیت دوگانه خارج و داخل خانه، و باورهایی که زنان حق تفریح و داشتن اوقات فراغت را ندارند، می‌باشند (Krenichyn, 2004, 117). بدین ترتیب نیازهای زنان در فضاهای عمومی را می‌توان در قالب تصویر ۱ دسته‌بندی نمود.

۲-۳ - فضای عمومی ویژه بانوان

یکی از رویکردهای جدید برای تامین رضایت و امنیت بیشتر زنان در فضاهای شهری، توسل به جداسازی زنان و مردان در فضاهای عمومی و ایجاد تسهیلات و خدمات اختصاصی برای آنان است. البته جداسازی فضاهای مردانه و زنانه از یکدیگر ریشه در جوامع سنتی گذشته دارد، اما در دنیای معاصر، اشکال جدیدتری پیدا کرده است که با انگیزه‌ها و دلایل مختلف، هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه پیگیری می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷، ۱۸).

در فضاهای شهری امروزه، به زنان مشکلات بیشتری نسبت به مردان تحمیل می‌شود، به طور مثال زنان نمی‌توانند به طور آزادانه به هر فضایی وارد شده و یا از هر فضایی استفاده کنند؛ مانند پارک‌ها و مکان‌های ورزشی که غالباً بصورت سرپوشیده در اختیار زنان قرار می‌گیرند (اعتماد، ۱۳۹۱). در ایران، ایده اولیه تشکیل این پارک‌ها، ابتدا در دفتر امور زنان ریاست جمهوری مطرح شد. اما توجه ویژه به این بحث از سال ۱۳۸۲ آغاز گشت و برای اولین بار، شهرداری‌ها به همراه دفتر امور زنان وزارت کشور، در ایجاد مراکز تفریحی ورزشی و رفاهی برای بهره‌برداری زنان، پیشگام شدند. مهم‌ترین اهداف ایجاد پارک بانوان از نظر شهرداری تهران به عنوان مسئول ایجاد چنین فضاهایی عبارت‌اند از: (معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران، ۱۳۹۰، به نقل از <http://armon-m.ir>)

۱- حفظ تعادل جامعه از نظر امنیت و آرامش روانی؛

۲- حفظ و تحکیم بنیان خانواده؛

۳- پیشگیری از فحشا و فروپاشی نظم جامعه؛

۴- جلوگیری از نگاه ابزاری به زن و ابتذال وی؛

۵- تامین فضاهای ورزشی ویژه بانوان؛

۶- تقویت روحیه شادی و نشاط در بانوان بخصوص دختران؛

۷- تامین آرامش در نهاد مقدس خانواده؛

et al, 1992 به نقل از چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۶). باتوجه به مطالب فوق، نیازهای زنان در فضای عمومی را می‌توان بدین شرح فهرست نمود:

• **امنیت:** از نظر احساس امنیت، زنان از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند (تمدن، ۱۳۸۷، ۲۲). به طور کلی نیاز انسان به امنیت روانی و فیزیکی، از نیازهای پایه‌ای انسان در رابطه با فضا است که خود دارای ابعاد مختلفی مانند رویت‌پذیری فضا، امکان ادراک محیطی، تصور مکان و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و کنترل مکان می‌باشد (Wekerle, Whitman, 1995 & Crowe,). به نقل از چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۶، ۲۲)، چرا که استفاده‌ی زنان از فضای عمومی شهری، به واسطه‌ی ادراک خطر محدود می‌شود (تانکیس، ۱۳۹۰، ۱۶۳). احساس امنیت با توجه به خصوصیات جنسی متغیر بوده و توانایی جسمی و قدرت دفاع شخصی نیز به نوعی، دریافت انسان از امنیت را تحت الشعاع قرار می‌دهد (الماسی فر، انصاری، ۱۳۸۹، ۲۸).

• **فیزیک و ابعاد جسمی زنان:** منظورکردن فیزیک و ابعاد جسمی استفاده‌کنندگان، مبنای طراحی فضا تلقی می‌شود بطوریکه متناسب بودن ابعاد آن و همچنین مبلمان مناسب می‌تواند نقش مهمی در تامین آرامش ذهنی ایفا نماید. نکته‌ای که علی‌رغم ساده‌نمایندن، تأثیری مهم در قابل یا غیرقابل استفاده‌کردن فضا می‌گذارد و نباید آن را نادیده گرفت (ذوقی، ۱۳۸۸، ۳).

• **نیاز به ارتباط و تعامل اجتماعی:** برقراری ارتباط، یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان از جمله زنان به مثابه حقوق شهروندی در فضاهای شهری است. از آنجا که اغلب نیازهای فیزیکی و عاطفی انسان از طریق تعامل اجتماعی و یا کنش متقابل فرد با دیگران به عنوان سنگ بنای جامعه برآورده می‌شود، لذا نیاز به برقراری رابطه با دیگران، زمینه‌ساز حضور انسان‌ها در فضا شده و فضاهای فراهم‌کننده این ارتباطات، فضاهایی مطلوب محسوب می‌شوند (لنگ، ۱۳۸۶، ۲۵؛ مطلبی، ۱۳۸۰، ۶۱).

• **رفع نیازهای روزمره:** فضاهای عمومی، مکانی برای رفع نیازهای روزمره‌ی زندگی در شهرها محسوب می‌شوند، بنابراین تامین آنها باید همواره در دست‌ورکار گردانندگان این فضاها قرار داشته باشد (Habraken, 2004) به نقل از پورمحمدی، نورانی، ۱۳۹۱، ۱۷۱).

• **گذران اوقات فراغت:** امروزه زنان خانه‌دار از اوقات فراغت بیشتری نسبت به گذشته برخوردارند که سبب شده تا علایق آنها به سمت فضاهای عمومی بیشتر شود (زنجانی زاده، ۱۳۸۰، ۸۱). یکی از عملکردهای مهم فضاهای عمومی، به ویژه فضاهای

۸ - حفظ سلامت جسمی و روحی زنان؛

۹ - شادابی و تخلیه انرژی دختران جوان در محیطی امن همراه با آرامش.

لذا در راستای اجرای این اهداف طی سال‌های گذشته، چندین پارک و فضاهای ویژه‌ی زنان احداث و راه‌اندازی شده که مورد پیژوهی این تحقیق، یکی از مهم‌ترین آنها می‌باشد.

۲-۴- تجربه‌ی زنان ایرانی از حضور در فضای عمومی

زندگی اجتماعی انسان، حاصل برقراری تعادل میان زندگی خصوصی و ویژگی‌های زندگی اجتماعی بطور همزمان می‌باشد. در این زمینه، هانا آرنست در کتاب وضع بشر (۱۳۹۰)، می‌گوید: انسان علاوه بر زندگی خصوصی، واجد نوعی زندگی دوم یا زندگی سیاسی، نیز هست. اکنون هر شهروندی به دو نظام یا مرتبه‌ی وجودی تعلق دارد و تمایز مشخصی در زندگی‌اش، میان آنچه از آن خود اوست و آنچه که جمعی و مشترک است، وجود دارد (آرنست، ۱۳۹۰، ۹۲). آرنست اضافه می‌کند که فضل و سرآمدی، همواره به حیطة عمومی نسبت داده شده‌است، هر فعالیتی که در انظار عموم صورت می‌پذیرد، می‌تواند به سرآمدی دست پیدا کند که هرگز در خلوت یا زندگی خصوصی نظیر و مانند ندارد. برای سرآمدشدن، حضور دیگران همواره ضروری است و این حضور، نیازمند رسمیت و آداب و تشریفات امر عمومی است. حیطة عمومی، محمل مناسبی برای سرآمد شدن بشر است (همان، ۹۳). بنابراین سرآمدی و حضور زنان در فضاهای عمومی، نیازمند داشتن مشروعیت از جانب یکی از دو نظامی است که زن به آن تعلق دارد؛ نظام خانواده و نظام جامعه. گرچه، زنان نیز چون مردان، ضمن تعلق به نظام خانواده، همزمان به نظام اجتماعی و جامعه نیز تعلق دارند، لیکن، وابستگی تاریخی زنان به خانه و فرآیند کنترل رفتار اجتماعی آنان توسط خانواده، مشروعیت و چگونگی حضور زنان در نظام اجتماعی را رقم زده و در صورت تناقض و تباین ارزش‌ها، موجب محدودیت حضور اجتماعی آنان می‌گردد. محدودیت‌های اعمال شده، ناشی از ضرورت انطباق با هنجارهای غالب اجتماعی و اقتصادی بوده و غالباً فضای خانه و فضای نزدیک آن را متعلق به زنان می‌داند.

از زمان ظهور و ورود مدرنیته در جامعه ایران، اجتماع زنان دستخوش تحولات شگرفی شده که یکی از مهم‌ترین تغییرات، حضور زنان در حوزه‌ی عمومی بود. در این دوران، گرچه فضاهای عمومی به صورت قانونی جنسیتی نشده بودند و آزادبودن فضای عمومی برای همه یک قانون محسوب می‌شد، ولی با این حال، آن وضعیت هیچوقت توسط اکثریت خانواده‌های سنتی پذیرفته نشد، بنابراین اختلاط جنسیتی بیشتر در فضاهای عمومی محلات ثروتمند، مدرن و غربی‌مآب تهران^۶ رخ داد. در دوران قبل از انقلاب، اقتدار دستگاه حکومتی بر مردم، بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها، مردان بر زنان و ... غیرقابل انکار بود. آغاز انقلاب، شروعی برای مرگ قدرت‌های قبلی و تولدی برای نوع جدیدی از قدرت بود که در عین تازگی و نو ظهوری، مبتنی بر سنت و مذهب

بوده و اعتقاد به هیچ طبقه‌بندی اجتماعی، جغرافیایی، فضایی و ... نداشت، به همین دلیل در هر طبقه‌ای و در تمامی مکان‌ها و فضاهای شهری ظاهر می‌شد. زنانی که پیش از این اجازه حضور در فضای خارج از خانه را نداشتند، در این دوران، تحت مشروعیتی فراتر از نظام سنتی در این تجمع‌های انقلابی شرکت می‌کردند (Amir Ebrahimi, 2006).

به طور کلی، آنچه که قبل از وقوع انقلاب اسلامی در بسیاری از خانواده‌های سنتی کشور، علی‌رغم ورود مدرنیته، رفتار اجتماعی زنان را کنترل و محدود می‌نمود، بعد از انقلاب بدلیل همگراشدن ارزش‌های سنتی خانواده با ارزش‌های اجتماعی، از یک طرف حضور مشروط زنان در فضاهای عمومی را موجب گردید و انطباق با موازین کنترل فرهنگی در فضاهای عمومی، مشروعیت حضور زنان را اندازه می‌نمود و از جانب دیگر بدلیل قدرتمندتر بودن نظام ارزش‌های اجتماعی، در مواردی موجب از هم‌گسستن بندهای سنتی مسئولیت‌های خانگی زنان گردیده و به پشتوانه‌ی مشروعیت حضور اجتماعی، آنها را از برخی وظایف و محدودیت‌های تاریخی رهانیده و همزمان در فرآیند انواع تحرک‌های ایدئولوژیک اجتماعی قرار داد. پدیده‌هایی چون حضور فعال زنان در جریان انقلاب، حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه از جنگ تحمیلی و حتی حضور نظامی زنان در این زمینه، مصداقی کم‌سابقه در تاریخ رشد اجتماعی زنان کشور محسوب می‌گردد. زنان که پیش از این به ندرت خارج از خانه دیده می‌شدند، در این دوران تحت مشروعیت نظام ایدئولوژیک جامعه در عرصه‌ی کار و فعالیت و در دوران جنگ در جبهه‌ها نیز دیده شدند. در واقع درک و تجربه‌ی مدرنیته و حضور اجتماعی زنان در کنار ایفای نقش فعال‌شان در انقلاب موجب شد که محدودیت‌های اعمال شده مانع حضور زنان در فضای عمومی نگردد.

بدین ترتیب محدودیت‌های رسمی، موجب تشویق زنان به اشتغال و تحصیل در دانشگاه‌ها و به طور کلی فعالیت اجتماعی زنان شد. البته به دلایل مختلفی مانند از دست دادن مردان جوان در طول جنگ و نرخ بالای تورم، مهارت‌های حرفه‌ای جدید زنان، به رسمیت شناخته و با توجه به کمبود متخصصان، ورود آنها به دنیای حرفه‌ای پذیرفته شد. از طرفی با تغییر زندگی طبقه‌ی متوسط به دلیل تورم بالای پس از جنگ، بسیاری از زنان هم در خانه و هم خارج از خانه شروع به کار کردند. عدم حضور مرد در خانه به دلیل افزایش ساعات کاری نیز موجب شد تا بسیاری از کارهای خارج از خانه که تا آن زمان کارهایی مردانه محسوب می‌شدند، در حیطة‌ی وظایف زنان قرار گیرد، مانند پرداخت‌ها، خرید، رسیدگی به کارهای خارج از منزل فرزندان، رفتن به ادارات مختلف و ... (Amir Ebrahimi, 2006).

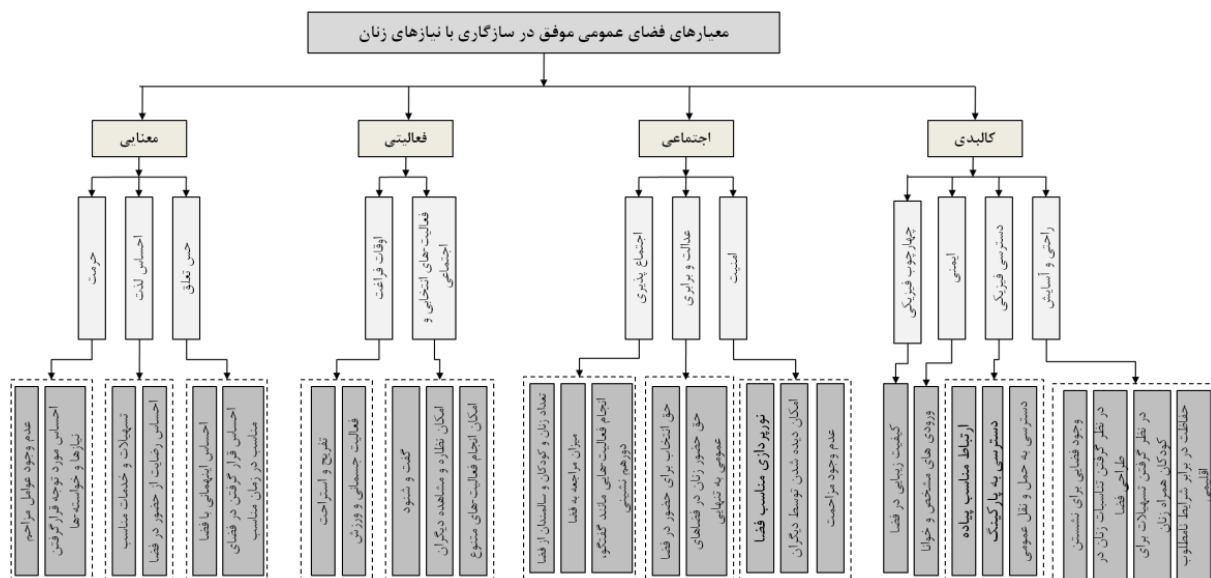
در این ارتباط، زنان ایران را می‌توان در نحوه‌ی استفاده از فضاهای عمومی به چند گروه تقسیم نمود: یک دسته شامل زنان خانواده‌های سنتی که به دلایل فرهنگی مختلف و ترس از فضای عمومی، حضور ناچیزی در این فضاها داشته و جدی‌ترین حضور و مشارکت آنان در فضای عمومی، در قالب

و نیز شناخت نیازها و محدودیت‌های زنان، شاخص‌های فضاهای عمومی موفق و سازگار با نیازهای زنان را می‌توان طبق تصویر ۲ دسته‌بندی نمود.

۳ - روش تحقیق

بنا به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، رویکرد تحقیق از نوع کیفی و کمی و روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی است. بدین معنی که در ابتدا به توصیف و شناخت مفاهیم اصلی پژوهش، نیازها و محدودیت‌های زنان در فضای عمومی پرداخته شده و سپس رابطه‌ی عوامل مختلف موثر بر موفقیت فضای عمومی در سازگاری با نیازهای زنان مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش مطالعه‌ی موردی از روش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه، مشاهده و مصاحبه بوده است. پرسشنامه در جهت سنجش معیارهای فضای عمومی موفق در ارتباط با سازگاری دو جامعه‌ی آماری با نیازهای زنان تنظیم و به صورت جداگانه در هر یک از فضاها مطرح شده‌اند. مشاهده و مصاحبه توسط پژوهشگر با حضور در ساعات مختلف روز و هفته و نیز گفتگو با استفاده‌کنندگان از فضا صورت گرفته است. تحلیل این اطلاعات به دو روش انجام شده است، بدین صورت که مشاهدات و مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از تحلیل کیفی (تحلیل محتوا) و اطلاعات پرسشنامه با استفاده از تحلیل کمی (آمار توصیفی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Excel) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، استفاده‌کنندگان از بوستان بهشت مادران و پارک آب و آتش هستند. حجم نمونه در هر جامعه آماری با استناد به جدول دواس با سطح اطمینان ۹۵ درصد ۱۰۰ نمونه در هر فضا بوده که در نهایت ۲۰۰ عدد پرسشنامه بین افراد توزیع شده است.

جلسات مذهبی و سنتی زنانه می‌باشد (ماشینی، ۱۳۸۵). مشروعیت فعالیت این زنان تحت نظام پدرسالاری خانواده است. برخی از این زنان حضور خود را در فضای عمومی برای کاهش رابطه با جنس مذکر به موارد اضطرار محدود می‌کنند. آنان در فضاهای عمومی کمتر حاضر شده و ترجیح حضور اختیاری شان در فضاهای عمومی، تک‌جنسیتی بودن فضاست (مانند بوستان زنان). دسته دیگر، زنان طبقه متوسط هستند که علی‌رغم وجود ترس، تلاش می‌کنند همانند مردان تا حد ممکن در صحنه‌های اجتماعی حاضر شوند و زن بودن مانعی برای حضورشان در فضای عمومی جامعه نباشد. این زنان بنا به اجبار به محیط‌های تک‌جنسیتی (مانند شهربانوها و بوستان‌های بانوان) برای فعالیت پناه می‌برند، در حالی که در دل معتقدند باید فضای جامعه به صورت مختلط، پذیرای حضور توأم با امنیت آنان باشد. دسته سوم نیز زنانی هستند که با بهره‌گیری از الگوهای فمینیسم غربی در محیط‌های پرخطر وارد شده و تلاش می‌کنند فضا و هنجارهای غالب مردانه و زنانه درباره تسلط و تسخیر فضا را واژگون سازند. این زنان، تمایلی به محیط‌های تک‌جنسیتی شهر نشان نداده و بالعکس خواهان تحمیل حضور خود در محیط‌های مختلط و حتی با اکثریت مردانه هستند. گروه آخر، سعی بر مقابله با نظام پدرسالاری خانواده و جامعه داشته و در تلاش برای اثبات استقلال زن و فعالیت‌هایش از دیگران می‌باشند. دسته‌ی چهارم نیز زنان ایدئولوژیک‌اند که اساساً مشروعیت و مقصد حضورشان در عرصه و فضای عمومی، همراهی با اهداف سیاسی و اجتماعی مورد قبول حاکمیت رسمی می‌باشد. گروهی که به نوعی پدیده‌ای سنت‌شکن و غالباً انقلابی ارزیابی شده و هم‌راستا با معیارهای کنترل فرهنگی در فضاهای عمومی شهری حضور می‌یابند (اباذری و دیگران، ۱۳۸۷). بنابراین بر مبنای بررسی ویژگی‌های فضاهای عمومی



تصویر ۲- مدل مفهومی پژوهش.

جدول ۴- بررسی معیارهای فضای عمومی موفق در سازگاری با نیازهای زنان.

| ردیف | مکان معیار | زیرمعیار | بوستان بهشت مادران | پارک آب و آتش | وضعیت نهایی فضا | کد |
|-----------------|--|--------------------------------------|-----------------------|--|---|----|
| | | | | | | |
| کالبدی | دسترسی فیزیکی | پیاده | ✓ | ✗ | بوستان بهشت مادران در این معیار وضعیت مطلوبتری دارد. | |
| | | سواره شخصی | ✓ | ✓ | | |
| | | حمل و نقل عمومی | ✓ | ✗ | | |
| | راحتی و آسایش | استفاده در تمام فصول | ✗ | ✗ | بوستان بهشت مادران در این معیار وضعیت مطلوبتری دارد. | |
| | | راحتی در استفاده از تجهیزات | ✓ | ✗ | | |
| | | تمایل به حضور در شرایط بد آب و هوایی | ✗ | ✗ | | |
| دسترسی بصری | راحتی در پیدا کردن ورودی | ✗ | ✓ | پارک آب و آتش در این معیار وضعیت مطلوبتری دارد. | | |
| | امنیت | میزان امنیت در مکان | ✓ | ✓ | دو فضا در این معیار شرایط یکسانی دارند. | |
| اجتماعی | اجتماع پذیری | استفاده از فضا در شب | ✗ | ✓ | پارک آب و آتش در این معیار وضعیت مطلوبتری دارد. | |
| | | دسترسی گروه‌های جنسی مختلف | ✗ | ✓ | | |
| | | میزان مراجعه به فضا | ✓ | ✓ | | |
| فعالیت | فعالیت انتخابی و اجتماعی | امکان نظاره و مشاهده دیگر افراد دیگر | ✓ | ✓ | پارک آب و آتش در این معیار وضعیت مطلوبتری دارد. | |
| | | امکان انجام فعالیت‌های متنوع | ✗ | ✓ | | |
| | | گفت و شنود | ✓ | ✓ | | |
| | اوقات فراغت | فعالیت جسمانی و ورزش | ✓ | ✗ | دو فضا در این معیار شرایط یکسانی دارند. | |
| استراحت و تفریح | | ✗ | ✓ | | | |
| معنایی | حس تعلق | دوست داشتن فضا | ✓ | ✓ | دو فضا در این معیار شرایط یکسانی دارند. | |
| تولیدی | به طور کلی از نظر معیارهای مطرح شده در زمینه فضاهای عمومی موفق، پارک آب و آتش موفق‌تر به نظر می‌رسد. | | | | | |

در فواصل نزدیک زمانی صورت می‌پذیرد، استفاده‌ی مداوم از بوستان بهشت مادران را توجیه‌پذیر می‌کند. درحالی‌که استفاده محدود با تواتر زمانی طولانی‌تر در استفاده از پارک آب و آتش (با توجه به دفعات چندروز مراجعه در سال با بیشترین تعداد مراجعه به فضا) و اعلام گفتگوکردن و ملاقات با دوستان بعنوان بیشترین فعالیت انجام یافته، و نیز در هر مراجعه، حضور یک تا دو ساعته در این فضا، منطقی می‌باشد. از آنجا که یکی از سنج‌های اجتماع‌پذیری فضا، امکان استفاده گروه‌های جنسی مختلف و همچنین در تمام ساعات به صورت آزادانه می‌باشد، از این نظر بوستان بهشت مادران، به دلیل زنانه بودن و ممنوعیت حضور مردان در این فضا و نیز محدودیت زمانی در استفاده از آن، نمی‌توان اجتماع‌پذیر دانست. وضعیت تفصیلی دو فضای مورد بررسی نسبت به تحقق معیارهای فضای عمومی موفق در سازگاری با نیازهای زنان، که منتج از تحلیل کمی و کیفی موردپژوهی تحقیق بوده است، به طور خلاصه در جدول ۴، آرایه شده است.

دلایل انتخاب بوستان بهشت مادران: جهت روشن‌تر شدن

دلیل انتخاب و استفاده از بوستان بهشت مادران، در سوال دیگری از پرسش‌شوندگان خواسته شد تا دلیل حضور خود را در این مکان با اولویت‌گزینه‌ها بیان کنند که همه‌ی پاسخ‌دهندگان، اولویت

کرده (۱۷٪ هر روز، ۲۹٪ چندروز در هفته و ۳۳٪ چندروز در ماه) و بین دو تا سه ساعت را در فضا می‌مانند در حالی که اکثریت کاربران پارک آب و آتش (۵۱٪)، چندروز در سال از فضا استفاده می‌کنند. با توجه به نقش منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای دو فضای عمومی با تاکید بر مساحت دو پارک، می‌توان اینگونه استنباط کرد که تفاوت در موقعیت قرارگیری دو فضا موجب تفاوت در میزان و نحوه‌ی استفاده از آنها شده است. قرارگیری بوستان بهشت مادران در جوار بافت مسکونی محله‌ی سیدخندان و محله‌ی نیلوفر، تاثیر زیادی در نحوه استفاده‌ی از این فضا دارد. به نظر می‌رسد که بوستان بهشت مادران بیشتر در مقیاس محلی و ناحیه‌ای عمل کرده و استفاده‌کنندگان از این فضا به دلیل نزدیکی به پارک و استفاده از امکانات به این فضا مراجعه می‌کنند. ۳۲٪ استفاده‌کنندگان از بوستان بهشت مادران عنوان کرده‌اند که پارکی نزدیک‌تر از بوستان بهشت مادران به آنها وجود ندارد و بر استفاده‌ی محلی از این بوستان صحه گذاشته‌اند. استفاده‌ی صفر درصدی هر روزه و ۵۰ درصدی چند روز در سال از پارک آب و آتش نیز می‌تواند نشان از عملکرد مناسب منطقه‌ای و شهری این پارک داشته باشد. نحوه‌ی استفاده از بوستان بهشت مادران با توجه به فعالیت‌های مورد توجه پاسخ‌دهندگان (پیاده‌روی و فعالیت جسمانی) نیز قابل توضیح است. از آنجا که فعالیت‌های ورزشی و مربوط به سلامتی، عموماً

جدول ۵- اولویت‌های افراد در انتخاب بوستان بهشت مادران.

| گروه‌های سنی | اولویت اول | اولویت دوم | اولویت سوم |
|--------------|---------------------|----------------------------|---------------------|
| زیر ۱۸ سال | آزادی در پوشش | امکان ورزش و فعالیت جسمانی | تجهیزات مناسب |
| ۱۸ تا ۳۰ سال | آزادی در پوشش | امکان ورزش و فعالیت جسمانی | تجهیزات مناسب |
| ۳۰ تا ۵۰ سال | آزادی در پوشش | امکان ورزش و فعالیت جسمانی | تجهیزات مناسب |
| ۵۰ تا ۶۵ سال | آزادی در پوشش | امکان ورزش و فعالیت جسمانی | نزدیکی به محل سکونت |
| بالای ۶۵ سال | نزدیکی به محل سکونت | امنیت | آزادی در پوشش |
| در مجموع | آزادی در پوشش | امکان ورزش و فعالیت جسمانی | تجهیزات مناسب |

استفاده‌ی محلی از این بوستان می‌باشد. **پیامدهای ایجاد پارک بانوان:** در راستای پاسخ به سوالات تحقیق، این موضوع به صورت پرسش‌های بسته و گزینه‌ای در هر دو پرسشنامه گنجانده شد. ۵۳٪ از استفاده‌کنندگان بوستان بهشت مادران، مهم‌ترین پیامد ایجاد پارک بانوان را ایجاد محیطی امن برای زنان دانسته و پیامد دوم را سلامت جسمی و روحی زنان با ۲۷٪، معرفی کردند. در حالی که ۲۴٪ از پاسخ‌دهندگان در پارک آب و آتش، مهم‌ترین پیامد پارک ویژه‌ی بانوان را امکان کاهش اعتمادبه‌نفس زنان، جهت حضور در دیگر پارک‌ها دانستند. کاربران بوستان بهشت مادران، ایجاد پارک ویژه‌ی زنان را عاملی برای از بین رفتن حقوق زن و مرد در استفاده‌ی برابر از فضای عمومی نمی‌دانند، درحالی‌که تعدادی از استفاده‌کنندگان پارک آب و آتش، این مشکل را یکی از پیامدهای منفی ممکن در آینده به شمار می‌آورند. هر دو گروه پاسخ‌دهنده، ایجاد پارک بانوان را موجب بالاتر رفتن سلامت جسمی و روحی زنان در جامعه عنوان کردند. برای پی بردن به میزان تحقق اهداف متولیان ایجاد بوستان بانوان، موضوع از منظر استفاده‌کنندگان دو فضا مورد پرسش قرار گرفت. استفاده‌کنندگان از هر دو فضا، مهم‌ترین هدف تحقق یافته از اهداف مطروحه شهرداری را تامین فضای ورزشی برای بانوان مطرح کردند. بدین معنی که اگرچه متولیان امر، این فضاها را در راستای اهداف اعلام‌شده ساخته و در اختیار زنان قرار داده‌اند، اما زنان به فراخور دیدگاه و شرایط خود از این فضاها استفاده می‌کنند، که تا حدودی نشان‌دهنده‌ی تفاوت در اهداف سازندگان و استفاده‌کاربران، از فضای ویژه‌ی بانوان می‌باشد.

اول خود را آزادی در پوشش عنوان کردند. امکان ورزش و فعالیت جسمانی به عنوان دومین گزینه و تجهیزات مناسب به عنوان سومین گزینه مطرح شد. بدین ترتیب آزادی در پوشش را می‌توان مهم‌ترین دلیل استفاده‌کنندگان از این فضا دانست. جالب توجه است که در برخی گروه‌های سنی، گزینه‌ای مانند نزدیکی به محل سکونت، بالاتر از تجهیزات مناسب، تسهیلات ویژه کودکان، ملاقات با دوستان و محصور بودن مجموعه، قرار گرفته که نشان‌دهنده‌ی

نتیجه

عادت کردن زنان به فضاهای زنانه و پرهیز از فضاهای عمومی مختلط، موجب حذف گذران زمان عمومی زنان، از زمان عمومی صرف شده در سایر فضاهای عمومی شهری و همه شمول، گردد. از آنجا که زنان (چه خانه‌دار و چه شاغل)، به دلیل برعهده‌داشتن مسئولیت‌های مراقبت از سایر افراد خانواده، وقت کمتری برای انجام فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی، از جمله حضور در فضاهای عمومی دارند، لذا علیرغم اینکه بوستان بانوان فضای مناسبی برای ورزش و سلامتی زنان بشمار می‌رود، اما با محاسبه جمع زمان محدود حضور زنان در فضاهای عمومی شهری، می‌توان دریافت که تعداد قابل ملاحظه‌ای از استفاده‌کنندگان با صرف زمان عمومی خود در بوستان بانوان، مدت زمانی را که می‌توانستند در فضای عمومی معمول حضور داشته باشند، از دست داده و نتیجتاً از صحنه‌ی فضاهای عمومی همه‌شمول نیز، به همان میزان حذف می‌شوند. همچنین عادت کردن زنان به فضاهای زنانه می‌تواند دلیل هنجاری‌پذیرتر بودن زنان، موجبات کاهش اعتماد به نفس را در آنان فراهم کرده و نتیجتاً، امکان حضور آنها را در سطوح دیگر فضاهای عمومی شهری، محدودتر نماید.

از این زاویه، به نظر می‌رسد ایجاد فضاهای ویژه و استقبال زنان به دلیل عمده‌ی آزادی در پوشش، در عین حال می‌تواند نوع جدیدی از محدودیت را پیش‌روی زنان قرار دهد. چراکه

آنچنان که اشاره شد بوستان بهشت مادران بجز معیار اجتماع‌پذیری، سایر معیارهای فضای عمومی موفق و سازگار با نیازهای زنان را دارا می‌باشد. در مورد معیار اجتماع‌پذیری نیز اگرچه پاسخ‌ها، حکایت از مراجعه‌ی زیاد به این فضا دارد، اما با در نظر گرفتن تعداد افرادی که بصورت پیاده به این بوستان می‌آیند (۳۷٪) و همچنین متوسط زمان صرف شده برای رسیدن به این مکان (بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه)، و نیز با لحاظ فعالیت غالب آن (پیاده‌روی و فعالیت جسمانی (۴۸٪))، به نظر می‌رسد بوستان بهشت مادران از یک طرف بیشتر به عنوان مکانی برای ورزش و فعالیت جسمانی استفاده شده و نقش آن در حد فضایی کارکردی تقلیل یافته است و از جانب دیگر، به رغم احداث این فضا در تراز نقشی شهری برای زنان شهر تهران، نحوه‌ی بهره‌برداری مبین این است که، استفاده از این بوستان با نقش پیش‌بینی شده برای احداث آن، هماهنگی نداشته و بیشتر از ایفای نقش شهری، بصورت محلی استفاده می‌گردد.

بنابراین گرچه ایجاد فضاهای ویژه‌ی بانوان می‌تواند موجب حضور بیشتر زنان در این فضاها و نتیجتاً صرف زمان در خارج از خانه شود (از جمله آزادی بیشتر برای زنان خانواده‌های سنتی برای حضور در فضای شهری)، ولی از جانب دیگر می‌تواند حضور زنان را در سایر فضاهای عمومی شهری کم‌رنگ‌تر نماید، چرا که

مردانه، منجر خواهد شد. بنابراین جهت تامین سلامت جسمی و روحی این گروه بزرگ اجتماعی، ایجاد زمینه‌ها و بسترهای مناسب برای انواع فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی زنان در فضاهای عمومی همه‌شمول شهری، راهکار مناسب‌تری برای حضور زنان در فضاهای عمومی تلقی می‌شود، همزمان موجبات ارتقای کیفی و افزایش سرزندگی فضاهای شهری را فراهم می‌آورد و در عین حال، اثربخشی اقتصادی در سرمایه‌گذاری‌های عمومی برای شهر را نیز، افزایش می‌دهد.

جداسازی فضای زنانه، در دنیای پیچیده‌ی امروزی، اصولاً رویکردی حمایت‌گرا نه داشته و زنان را بیشتر مادر، کم‌توان و نیازمند حمایت و حفاظت می‌داند. از این نظر، ایجاد فضاهای خاص زنانه می‌تواند در ادامه نگرش جداسازی اندرونی و بیرونی در مقیاسی وسیع‌تر از خانه و در گستره‌ی فضای شهر تلقی شود که علی‌رغم داشتن مزیت‌هایی برای استفاده‌کنندگان، به نظر می‌رسد این رویکرد پاسخی مناسب به نیازهای اجتماعی زنان جامعه امروز نبوده و نهایتاً به ایجاد جزیره‌هایی زنانه در اقیانوسی

پی‌نوشت‌ها

شماره ۱۹، صص ۱۶۵-۱۸۱.
تانکیس، فرن (۱۳۹۰)، فضا، شهر و نظریه اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
تمدن، رویا (۱۳۸۷)، زنان و فضاهای شهری، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۲۰-۲۳.
تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷)، شهرسازی شهروندگرا: ارتقای عرصه‌های همگانی در شهرها و محیط‌های شهری، ترجمه‌ی محمد احمدی نژاد، نشر خاک، اصفهان.
چرخچیان، مریم؛ دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۸۶)، فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، مجله باغ نظر، شماره ۷، صص ۱۹-۲۹.
حیبی، سید محسن (۱۳۷۸)، فضای شهری، برخوردی نظری‌های، مجله صفا، شماره ۳۳، صص ۴-۱۳.
حیبی، کیومرث؛ رحیمی، آرمان؛ عبدی، محمد حامد؛ احمدی، طالب (۱۳۹۲)، ایمن‌سازی فضای عمومی شهری برای افزایش حضورپذیری زنان (نمونه موردی: خیابان فردوسی شهر سنندج)، نشریه پژوهشی، آموزشی، اطلاع‌رسانی شهرنگار، شماره ۶۲ و ۶۳، صص ۸۴-۹۴.
حیبی، میترا (۱۳۸۲)، اهمیت پیاده‌راه‌ها و نقش آن در فضاهای شهری؛ نمونه موردی: محدوده‌ی مرکزی تهران، رساله‌ی دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران.
حیبی، میترا (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی: از فرایند تفکر تا فرایند اجتماعی، دوماهنامه‌ی علمی-ترویجی بنا، شماره‌ی ۱۶ و ۱۷، صص ۵۳-۶۳.
حیبی، میترا (۱۳۹۱)، کیفیت و تنوع فعالیت‌ها و تسهیلات در فضاهای عمومی و تأثیر آن بر حضور زنان با تأکید بر شهر تهران، کارگروه زنان و فضاهای عمومی شهری، شهرداری تهران، تهران.
حیبی، میترا (۱۳۹۳)، راهنمای طراحی منظر در شهر، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
داگلاس، سارا (۲۰۰۷)، برابری جنسیتی و طرح‌های ارتقای عدالت: دسترسی برابر زنان به عدالت، مجموعه نشریات پایه دوباره‌ی جنسیت و حکمرانی مردم سالارانه، سازمان ملل متحد.
دوانی، آندره (۲۰۰۰)، منشور نوشهرگرایی، ترجمه‌ی علیرضا دانش و رضا بصیری مژده‌ی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۷، تهران.
ذوقی توتکابنی، مهروش (۱۳۸۸)، طراحی فضاهای معماری و شهری با تکیه بر نیازهای زنان، همایش ملی زن و معماری، تهران.
رضازاده، راضیه؛ محمدی، مریم (۱۳۸۸)، بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۲۸، صص ۱۰۵-۱۱۴.
رضازاده، راضیه (۱۳۸۸)، فضای شهری زمینه‌ساز عدالت اجتماعی، بررسی موانع و عوامل مشارکت زنان در فضای عمومی، نهاد توسعه تهران، ویژه‌نامه شماره هفتم، صص ۲۸-۳۰.
رضایی، سولماز (۱۳۹۰)، ارزیابی میزان عملکرد بوستان زنان در ارتقای عدالت جنسیتی (بوستان مادر آزادگان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

- 1 Valentine.
- 2 Hayden.
- 3 Public Space-Public Realm.
- 4 Cowan.
- 5 Katherine Shonfield.
- 6 Pluralism.
- 7 Carr.
- 8 William H. Whyte.
- 9 Paul.
- 10 Suburbanization.
- 11 Gilligan.
- 12 Friedman.
- 13 Larsen.
- 14 Rose.
- 15 Bounds, Michael.

۱۶ در دهه ۱۹۶۰ با انتقال حکومت به کاخ نیاوران، قسمت شمال تهران تبدیل به شهری مدرن، غربی و ثروتمند شد. در حالیکه محله‌های جنوب تهران به عنوان محل سکونت مهاجران ناشی از اصلاحات ارضی، به صورت محلات فقیر، سنتی و مذهبی باقی مانده بود. تهران رشد سریعی در این دوره پیدا کرد و به شهری دوگانه با فرهنگ‌ها و جوامع مختلف تبدیل شد (AmirEbrahimi, 2006).

فهرست منابع

آزنت، هانا (۱۳۹۰)، وضع بشر، ترجمه‌ی مسعود علیاء، انتشارات ققنوس، تهران.
اباذری، یوسف، صادقی، سهیلا، حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷)، احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۷۵-۱۰۳.
الماسی‌فر، نینا و مجتبی انصاری (۱۳۸۹)، بررسی امنیت محیطی در پارک‌های منطقه‌ای به‌عنوان بخشی از فضاهای شهری از دیدگاه زنان بر پایه رویکرد CPTED (نمونه موردی: پارک ساعی)، مدیریت شهری، شماره ۲۵، صص ۲۱-۳۴.
امیرابراهیمی، مسرت (۱۳۸۲)، فضای عمومی در حصار، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۶۴ و ۶۵، صص ۶۳-۶۸.
اعتماد، گیتی (۱۳۹۱)، نشست سیاست فضا، گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران.
بحرینی، سید حسین (۱۳۸۵)، تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، دانشگاه تهران، تهران.
پرتوی، پروین (۱۳۹۱)، فضای عمومی و زنان، کارگروه زنان و فضاهای عمومی شهری، شهرداری تهران، تهران.
پورمحمدی، محمدرضا؛ نورانی، سمیه؛ نورانی، فرید (۱۳۹۱)، شهر دوستدار زنان مطالعه موردی: مرکز شهر اردبیل، فصلنامه آمایش محیط،

Generation of Programming-Background Documents for the Meeting, pp. 155-176.

Bridge, G, Watson, S (2000), *A companion to the city*, Malden, Blackwell

Cozens, P (2011), Urban planning and environmental criminology: Towards a new perspective for safer cities, *Planning practice and research*, Vol 26, No 4, 481-508.

Cowan, Robert (2005), *The Dictionary of Urbanism*, Streetwise press.

Day, Kristen (2000), The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space, *Journal of Environmental Psychology*, No 20, pp 103-124.

Garcia-Ramon, Maria Dolores; Ortiz, Anna; Prats, Maria (2004), Urban planning, gender and the use of public space in a peripherals neighborhoods of Barcelona, *Cities*, Vol. 21, No. 3, pp 215-223.

Grundstom, Karin (2006), *Gender and Use of Public Spaces*, Proc. ESF/N-AERUS Conference, <http://www.naerus.net/sat/workshops/2005/papers/11.pdf>, pp. 135-149.

Henderson, Karla. A (1991), The ethic of care : Leisure possibilities and constraints for women, *Society and Leisure*, Vol 14, No 1, pp 97-113.

Jagori, M (2010), *Safe cities free of violence against women and girls initiative*, Signate G Press, New Concept Information Systems Pvt. Ltd.

Koskela, H (1997), Bold Walk and Breakings': Women's spatial confidence versus fear of violence, *Gender, Place & Culture, A Journal of Feminist Geography*.

Khosla, P (2006), *Gender, Race, and Class in a Neoliberal Toronto*, *Canadian Womens studies Association Conference*, Toronto.

Khosla, P (2004), *Privatization, segregation and citizenship in western urban space*, *Association of American Geographers*, Denver.

Krenichyn, Kira (2004), Women and physical activity in an urban park: Enrichment and support through an ethic of care, *Journal of Environmental Psychology*, No 24, pp 117-130.

Kurniawati, Wakhidah (2012), Public Space for Marginal People, *Social and Behavioral Sciences*, Vol 36, pp 476-484.

Larson, D. Keating T J (2009), Assessment of insecticide-treated bednet use among children and pregnant women across 15 countries using standardized national surveys, *Am J Trop Med Hyg*, vol 2, p 209-214.

Paul, Tanusree (2011), Space, Gender, and Fear of Crime: Some Explorations from Kolkata, *Gender, Technology and Development*, Vol 15, No 3, pp 411-435.

Phadke, Shilpa. (2006), You can be lonely in a crowd: the production of safety in Mumbai, *Indian Journal of Gender Studies*, 12, pp 42-62.

Phadke, Shilpa (2010), *Gendered Usage of Public Spaces: A Case Study of Mumbai*, NCW-UNDP-CEQUIN conference on Gender based Violence in public spaces: Challenges and Solutions, Delhi, Constitution Club.

Pitcher, Jane; Compbell Roise, Hubbord Phil (2006), *Living and Working in Areas of Street Sex works*, from conflict to Coexistence. Retrieved from www.jfr.org.uk.

Reeves, Dory (2003), *Gender Equality and Plan Making: The Gender Mainstreaming Toolkit*, RTPi Gender Mainstreaming Toolkit, Executive Summary. Available from <http://www.rtpi.org.uk/download/369/Gender-Equality-Toolkit.pdf>.

Rush, Liz m (2012), An Autoethnography of Fuencarral 43: Women in Masculine Public Space, *The Journal for Undergraduate Ethnography*, Vol 2, Issue 1, pp 1-13.

UNESCO (2003), *UNESCO's Gender Mainstreaming Implementation Framework (GMIF) for 2002-2007*, UNESCO, Women and Gender Equality Section, Paris.

Woodsworth, Ellen (2005), Making Space for Women in Cities, *Spar-rc BC*, No 52, pp 10-13.

[Http://armon-m.ir](http://armon-m.ir)

دانشکده هنر و معماری تهران مرکز، تهران.

رفعیان، مجتبی؛ ضابطیان، الهام، بمانیان، محمد رضا (۱۳۸۷)، امنیت تردد در فضاهای شهری و سنجش مشارکتی آنها در بخش مرکزی شهر تهران، *مجله علمی-پژوهشی تحقیقات زنان*، شماره چهارم، صص ۳۹-۵۶.

رفعیان، مجتبی؛ ضابطیان، الهام (۱۳۸۷)، درآمدی بر فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی، *جستارهای شهرسازی*، شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۴۸-۵۵.

رفعیان؛ مجتبی؛ عسگری، علی (۱۳۸۱)، سالمندان و ضرورت آمایش فضاهای شهری، همایش بین المللی سالمندان، دانشکده بهزیستی و توانبخشی.

رنه شورت، جان (۱۳۸۸)، نظریه شهری: ارزیابی انتقادی، ترجمه: زنجانی زاده، مهادن؛ مهندس، حافظ، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

زنجانی زاده، هما (۱۳۸۰)، زنان و امنیت شهری، *مجله دانشکده علوم و ادبیات علوم انسانی مشهد*، شماره ۳۴، صص ۱۴-۲۳.

سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹)، *فضای سبز شهری*، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، چاپ اول، تهران.

سیفابی، مهسا (۱۳۸۴)، *مطلوبیت سنجی فضاهای عمومی شهری جهت استفاده گروه های خاص اجتماعی (زنان)*، در *الگوی برنامه ریزی مشارکتی مورد مطالعه: میدان هفت حوض*، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر.

علیخواه، فردین؛ شفیعی، معصومه (۱۳۸۸)، *فضا و بازتولید قدرت (مطالعه درباره تفکیک جنسیتی در دانشگاه های تهران)*، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره پنجم، صص ۹۵-۱۲۲.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۰)، *تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی*، نشر نی، تهران.

قرایی، فریبا (۱۳۹۱)، *شناسایی عوامل کیفیت محیط با تکیه بر ویژگی های کالبدی و زیبایی شناختی و تاثیر آن بر حضور زنان در فضاهای عمومی شهر*، کارگروه زنان، شهرداری تهران، تهران.

کارمونا، ماتیو. هیت، تیم. تنر، اک. تیسدل، استیون (۲۰۰۳)، *مکان های عمومی*، فضاهای عمومی شهری، ترجمه فریبا قرایی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.

کشاورز، لیلیا (۱۳۸۰)، *مجموعه مقالات همایش های آموزشی و پژوهشی فضای سبز شهر تهران*، انتشارات سازمان پارک ها و فضای سبز شهر تهران، تهران.

گل، یان (۱۳۸۷)، *زندگی در فضای بین ساختمان ها*، ترجمه ی شیما شصتی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

گل، یان (۱۳۹۲)، *شهر انسانی*، ترجمه ی علی غفاری و لیلیا غفاری، انتشارات علم معمار، تهران.

لنگ، جان (۱۳۸۶)، *طراحی شهری گونه شناسی رویه ها همراه با بیش از پنجاه مورد خاص*، ترجمه ی سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.

ماشینی، مریم (۱۳۸۵)، *زنان و فضای شهری*، خلاصه مقالات همایش زنان معمار ایرانی، تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۷۹)، *طراحی فضای شهری*، نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی - مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

مطلبی، قاسم (۱۳۸۰)، *روان شناسی محیط*، دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۱۰، صص ۵۲-۶۷.

مهدی زاده، جواد (۱۳۸۷)، *در جستجوی شهری انسانی تر*، *جستارهای شهرسازی*، شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۶-۱۹.

وایت، ویلیام (۱۳۹۲)، *زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک*، ترجمه ی میترا حبیبی، محمد هادی غیانی، انتشارات دانشگاه هنر تهران، تهران.

هزار جریبی، جعفر؛ امانیان، ابوالفضل (۱۳۹۰)، *آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن*، *مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای*، سال سوم، شماره نهم، صص ۱-۱۸.

Andrew, M (2006), *Gender Equality, Poverty and Economic Growth*, Policy Research Working Paper.

Amir Ebrahimi, Masserat (2006), Conquering enclosed public spaces, *Cities*, Vol. 23, No 6, pp 455-461.

Brady, Martha (2005), *Safe Spaces for Adolescent Girls, promoting healthy, safe, and productive transitions to adulthood*, In *Adolescent and Youth Sexual and Reproductive Health: Charting Directions for a Second*